

نسخه خطی منظر فکر و هنر ایرانی

ایرج افشار

ثبت و ضبط فکر در دوران دراز تمدن بشری به سه قسم عملی شده است: کتابت دستی بر صفحه‌های گلی و سنگی و چوبی و کاغذی و ... ، چاپ آثار با وسایل فنی و صنعتی ، حبس و نقل اقوال بر صفحه و نوار و موج .

در تاریخ تمدن ایران ، بمعنای تاریخی قلمرو آن ، سابقه نسخه نویسی خطی پر دامنه است و این نوع کار در میان آثار باستانی دیگر ارزشی خاص و اعتباری مخصوص دارد . چه افکار کلیه متفکران و دانشمندان و شاعران ما برین اوراق که اکثرأ فرسوده و پاره و چرکین و ناخواناست پس از قرون و روزگاران دراز به دست ما رسیده است و امروز می توانیم تاریخ حیات ملت نامداری را از آن اوراق کشف و تحقیق کنیم ، پس تردید نباید کرد که اهمیت آنها نه از تخت جمشید و مساجد اصفهان کمتر است و نه از گنجینه‌های زرین زیویه و مارلیک که چشم‌ها را خیره می کند . شناخت ملت و سرزمین ما منحصر به تاریخ جهانگیری هخامنشی و هنر ساسانی و بهلوانیهای رستم و نقوش زیبای شیخ لطف‌الله نیست . در کنار و هم‌تراز با این مآثر بزرگ و با جلال نسخه‌های خطی زیبا و پرکار هنرمندانه و کهنه کتابهای فرسوده و شیزازه دررفته داریم که هر یک سندی بزرگ و مهم است ، هم از حیث خط و هنر و هم از حیث مضمون و اندیشه .

از روزگاری که کتاب نویسی در ایران باب شد تا روزگار امروز که ما در آن زندگی میکنیم هزاران هزار کتاب به دست نوشته شده اما مقدار اندکی از آن به روزگاران باقی مانده است . سیلهای بنیان کن ، شعله های آتش ، جنگها و غارتهای اقوام مختلف ، ویران شدن بناهای گلین هر یک هزارها نسخه خطی را از بین برده . دست نویس شاهنامه ، نسخه‌های خطی گلستان و بوستان و دیوان حافظ که فردوسی و سعدی و حافظ نوشته بوده‌اند همه از میان رفته است و اگر یک سطر قلم آنها امروز به چنگ می افتاد سرفخر به آسمان می سودیم و زیارت آنها را بر کافه ملت ایران فرض می شمردیم

نسخ خطی یکی از میدانگاههای با تزهت و خوش منظر و تجلی گام بارز ذوق و هنر اصیل ایرانی است . بر صفحات درونی و جلد آنها زیباترین نقشها و رنگها را ترسیم کرده و فکر را تجسم بخشیده‌اند . در جلد های سوخت و معرق و روغنی و سرینجه‌های هنرمندان بی نام و نشان نازک ترین قلمها و روشن ترین طرحها را بر پوست خشک و مقوای شکننده جاودان ساخته است و خویش و بیگانه را از اعجاز و شگفتی کار به آفرین گوئی و حیرت واداشته .

نسخ خطی به هر یک از زبانهای فارسی ، عربی ، ترکی و پشتو که اثر فکر یا کلام ملل ایرانی باشد از آثار گرانبهادر و جاودانی و نمودار هنر و اندیشه ملی مردمی است که در دوران زندگانی مشترک اسلامی خویش برای روزگاران بلند به جای گذاشته‌اند . ناگزیر بر ما فرض است که دریاد کرد و بزرگداشت و نگاهبانی آن آثار همواره کوشا و دلسوز باشیم و نگذاریم که ورقی و حتی سطری از آنها محو شود .

اما دریغ و افسوس که چنین آثار درخشان و گرامی گذشته و میراث علمی پیشینگان خود را از یاد برده‌ایم . حتی نخبگان ما از میان چندین ده هزار نوشته ایرانی بیش از دهگان

ویستگان را نمی‌شناسند و به دست خواندن در نمی‌گیرند علت این امر هم مربوط به امروز و دیروز نیست . سببی است تاریخی که بحث از آن مفید می‌نماید .

پیش از آن که فارسی زبانان با هنر چاپ آشنا شوند کتابها را به دست می‌نوشتند . نگاهی به نسخه‌های خطی متون قدیم خواه عربی و خواه فارسی ، و بررسی در تاریخ تحریر آنها این نکته دقیق را به ما می‌نماید که کتابت نسخ علمی تا قرن نهم هجری رایج و مرسوم بود و در قرن نهم یعنی عصر تیموری که در دربار هرات خوشنویسی و نقاشی بالائی گرفت نوشتن نسخ مرغوب و زیبا و مزین از کتابهای ادبی که بیشتر مطلوب شاهزادگان و اعیان بود در بلاد ایران و عثمانی و هند خریدار و خواستار داشت رونق و رواج خاص یافت و زمان و وقت خطاطان مصروف تحریر و کتابت این دست کتب می‌شد . رسیدگی به نسخی که اکنون از آن دوره باقی است و تنظیم صورتی از موضوعهایی که نسخ نوشته شده این نکته را بخوبی روشن می‌سازد در دوران صفوی هم چنان که باید رغبتی به خواندن کتاب امیل قدیم و متون علمی و تاریخی نبود . کتابت و ناسخان کتاب وقت خود را به نوشتن متون ادعیه و زیارات و ردود و اخبار و احادیث و فقه و اصول که جوهر مایهٔ مملکت‌مداری صفویان و وسیله پیشرفت حکومت و نشر عقاید و نظام فکری آنان بود مجالی نگذاشت که ایرانیان به آثار قدیم و افکار گذشتهٔ خود پردازند و متون کهن را از گوشه‌های فراموشی به در آورند . وضع چنان بود که اگر علمایی چون شیخ بهائی و ملا محمد باقر زیدی کتب موجزی در « حساب » تألیف کردند بر اثر بی‌اطلاعی عمومی از کتب معتبر علمای بزرگی چون کوشیار بن لبان جیلی و غیاث‌الدین جمشید کاشی و خواجه نصیر کتب جدیدتر بعلمت احتیاج شهرت خاص می‌یافت چندانکه برخلاف الحساب‌بهای چندین شرح و حاشیه نوشتند و کار بجائی رسید که تفاسیر قدیم نیز بعلمت آنها را غالباً اثر علمای سنت و جماعت می‌دانستند متروک ماند و فراموش شد . اگر نسخ خطی تفسیرهای طبری و میبیدی و امام فخر و ابوالفتوح و درواجکی مربوط به عصر صفوی بسیار نیست به همین سبب است . اگر از کتب ادبی و تاریخی مشهور چون تاریخ سیستان ، مجمع‌التواریخ ، تاریخ بیهقی ، سیاست‌نامه ، اخلاق ناصری و چهارمقاله ، نسخه‌هایی مانند بسیاری از متون مهم فارسی فراموش و نسخ آن‌ها در گوشه‌های کتابخانه‌ها و مسجدها و اماکن مزادها طعمهٔ موش و موربانه و رطوبت و ویرانی و حریق و سیل و تصاریف بی‌امان و مرسوم روزگار شد و جزین چون راه مشرق بر فرنگیها باز گردید عتیقه خران و عتیقه فروشان کتب خطی اسلامی را وسیلهٔ سوداگری ساختند و طبعاً بسیاری از نسخ از مملکت ما خارج شد و به موزه‌ها و مجموعه‌های اروپا و امریکا رفت و البته باز اقبال و بختی با آن نسخ همراه بود که از آفت‌هایی که نیستی و نابودی می‌آورد برکنار ماند و اکنون برای ما راه بازست که دلمان را به عکس و فیلم آنها خوش سازیم و اگر گذارمان به آن دیار افتاد سعی چشمان را لذت بخشیم و ببالیم که چنین آثار هنرمندانه از مرده ریگ پیشینگان ما چشم و چراغ موزه‌های فرنگ شده است و اگر آنها باز بجهای چون « شهر فرنگ » بیا دانند از ملت بزرگ و پرافتخار ایران آثار رخشان و هنر پروردی فراچنگ آورده‌اند .

بر ماست که متون از یاد رفته را زنده کنیم و هر کدام را که از حیث فواید تاریخی و ادبی و معنوی واجد اهمیت و اعتبار است از گوشهٔ کتابخانه‌ها به در آوریم و به بهترین صورت و منقح‌ترین وضع به چاپ برسانیم و ادب و فکر ایرانی را عرضه سازیم و جاویدان نگاه داریم . چه بسیارست کتابهای فارسی یا عربی که ایرانیان نوشته‌اند و امروز از حیث مباحث علمی و فنی مورد تحقیق و تجسس علمی واقع می‌شود و از آنها نکته‌های دقیق و عمیق فراچنگ می‌افتد . آثاری که از غیاث‌الدین جمشید کاشی درین چندسال اخیر به انگلیسی ترجمه و نشر شده است یک مورد روشن و گویا از اهمیت متون ایرانی فراموش شده است . قصه‌هایی چون داراب‌نامه و سمک عیار و قصهٔ حمزه و اسکندرنامه که در چندسال گذشته چاپ شده گواه روشنی است که هم از حیث قصه سرایی و هم از لحاظ ادبی و هم از جهت عقاید و آراء و رسوم و آداب قدیم گنجینه‌ای

بی مثال وزنده است. متونی که در سلسله انتشارات دانشگاه و نگاه ترجمه و نشر کتاب و بنیاد فرهنگ ایران برای نخستین بار طبع شده است (چون احياء الملوك و عجائب المخلوقات و مهان نامه بخارا و تاریخ یزد و المرقاة و خوابگراری و تحفه و زین الاخبار) همه باعث شناخت ادب ملی و روشنگر تاریخ و فکر ایرانی است و هیچ یک بی فایده و ناسفته نیست. هر یک وسیله ای و مدرکی برای محقق آینده خواهد بود و همه این کتب آثاری بود که فراموش شده بود و ادیب کتاب خوان سی چهل سال پیش آنها را نمی شناخت.

اکنون که تا حدی بر فواید و اهمیت این آثار و قوف حاصل شد باید بحثی را در باب جمع آوری و نگاهبانی و شاساندن آنها پیش کشید. نخستین و مهمترین کار ما ایرانیان گردآوری این آثار است که دسته ای از آنها به صورت نسخه های خطی در خانه ها بعنوان مجموعه خصوصی یا منیاب مال ارثی از چشم محقق و دانشمند دور و بر کنار نگاه داشته می شود و گاه به گاه بر اثر فوت صاحب مجموعه یا روش سوداگرانه به بازار می آید و غالباً متفرق می شود. دسته دیگر از کتب خطی آنهاست که در مزارات و امامزاده ها و بقاع مذهبی و مسجدها به تصادف از بد حادثه زمان بر کنار مانده و به علت احترام عامه به امکان مذهبی آن کتب هم حفظ شده است و البته بسیاری از کتب مهم خواه از حیث متن و خواه از لحاظ هنر پاره و پراکنده در صندوقهای مساجد و مزارات طعمه خاک و موش و موربانه است و به تدریج از میان خواهد رفت.

بر ماست که این آثار گرانبه را که مرده ریگ فکری ملت ایران است جمع کنیم، یعنی باید آنها را خرید و بصورت شرعی و قانونی از طریق اهداء و ضبط از نیستی و نابودی محفوظ داشت و بر آستی باید از کسانی که مجموعه خصوصی دارند و به علت ذوق و عشق به جمع آوری کتب خطی پرداخته اند ممنون بود که قسمتی از عمر و بخشی از سرمایه خود را برین امر بزرگ مصروف کرده اند و موجب حفظ عدای از این آثار بوده اند. مؤسسات ما باید با همت بلند و بارغبت نفائس خطی را از این اشخاص خریداری کنند و بدانیم که گردآورندگان این نوع آثار مردمی هوشیار بوده و خدمتی بزرگ به ملت خود کرده اند.

گام اساسی دوم فهرست نویسی نسخه های خطی است تا کیفیت و کمیت و اهمیت این آثار هر چه بیشتر و زودتر روشن شود و محقق عاشق و علاقمند بزودی و آسانی بدانند که در هر کتابخانه و مخزنی چه کتابهایی هست و هر کتابی را که می خواهد در کجا باید بیابد.

البته درین سالها چندین کتابخانه فهرست شده و مخصوصاً مردی چون محمد تقی دانش پژوه يك تنه کارهای بسیار با ارزش و سنگینی را به انجام رسانیده است و لی هنوز بسیاری از مجموعه های خطی ایران فهرست نشده مانده است و نسبت به کتب خانه های هند و پاکستان و ترکیه که نسخ خطی فارسی بسیار در آنجا نگاهداری می شود و اساساً هنوز درست نمی دانیم که در کجاها کتاب خطی هست.

سومین اقدامی که باید مورد نظر باشد عکس برداری و تهیه میکروفیلم از نسخی است که منحصر بفرد و یا بعثتی و اجد اهمیت است تا از نابودی معنوی آثار قدیم پیش گیری شود. در این کار دانشگاه تهران از سالها قبل پیش قدم بوده و بنیاد فرهنگ ایران هم از زمان تأسیس گامهای با ارزش برداشته است و لی هنوز هزارها نسخه در اکتاف عالم هست که باید از آنها عکس یا فیلم برداشت و در دسترس محققان قرار داد. خوشبختانه فهرستی از نسخه های خطی که توسط دانشگاه تهران عکس برداری شده توسط آقای محمد تقی دانش پژوه تهیه گردیده و به چاپ رسیده است و تا چندی دیگر انتشار خواهد یافت.

کوشش چهارم دستگاههای علمی مملکت تدوین فهرست مشترکی از کلیه نسخه های خطی فهرست شده است تا معلوم باشد که از شاهنامه یا گلستان و هراتر دیگر چند نسخه و در کدام

۱- تاکنون سی و شش جلد فهرست توسط او یا با همکاری او انتشار یافته و کتابخانه ملی ملک هم به لطف و عنایت مخصوص جناب آقای حسین ملک بانی بزرگوار و بلند همت و دانشمند کتابخانه فهرست شده است.

فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی
فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی
فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی
فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی
فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی
فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی
فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی
فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی
فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی
فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی	فصلنامه‌های علمی و ادبی



صفحاتی از شاهنامه با تصویر
بهرام گور در شکار - قرن نهم -
طول ۱۸ سانتی‌متر - موزه هنری
ورجستر

رتال جامع علوم انسانی

کتابخانه‌ها موجود و هر یک نوشته کمی و کجا و کی است. این کار بزرگ را مستشرق نامدار انگلیسی مرحوم استوری آغاز کرد و قسمتی عظیم از کتاب کبیر خود را نیز انتشار داد ولی عمرش وفا نکرد و اثرش ناقص و ناتمام ماند. دنباله کار او را جمعی در لندن گرا برداشته‌اند که اثر او را به روسی نقل و تکمیل کنند. آن دانشمند وصیت کرده‌است که مردیت اونس کتابدار موزه بریتانیا مجلدات دیگر اثر او را به همان زبان انگلیسی انتشار دهد.

در ایران هم چنین فکری از چندی پیش در دانشگاه پیش آمد و چون موضوع با بنیاد فرهنگ ایران در میان گذاشته شد مشترکاً این خدمت بزرگ را آغاز کرده‌اند و اکنون کتابخانه پهلوی هم چنین کاری را در برنامه کار خود قرار داده است. اگر این چهار فهرست مشترک نسخ خطی فارسی که به محاذات یکدیگر تدوین میشود انتشار یابد کار بسیار بزرگی در راه ادب و فرهنگ و تمدن ایران به انجام خواهد رسید.